نگاه

خشونت علیه کودک

رابعه موحد
روانشناس

● اختلافات زناشویی اغلب از جانب یکی از همسران به خشـونت با فرزندان، مخصوصا کودکان خردسال می‌انجامـد که قادر به مراقبت از خود نیسـتند. این رفتارهـا زمانی رخ می‌دهد کـه هدف، حل اختلاف نیست بلکه می‌تواند ناشی از ناامیدی طرفین از حل مسـاله باشـد. اگرچه زنان در چنین وضعیت‌هایی، به‌علت خصوصیات فیزیکی خود بیشـتر در معرض آسیب قرار می‌گیرند اما در هر دو شکل انتقام‌گیری، کودکان به‌آسـانی بازیچه هر دو طرف می‌شـوند؛ از طرف زنان بیشتر به شکل ملایم‌تر مانند ترک خانه، بی‌سرپرست‌گذاشتن کودکان و از طرف مردان بیشتر با خشـونت، ضرب‌وشتم کودکان، قطع خرجی خانه یا هزینه‌های مهم فرزندان مانند شـهریه مدرسه یا هزینه‌های درمانی اما در شـکل‌های حادتر مسـاله که معمولا در اصطلاح مردانه مساله ناموسی مطرح می‌شـود این خشـونت بنابه آموزه‌های فرهنگی و میزان گشاده‌دستی مردان در حفظ ناموس و قلمرو خویـش می‌تواند به خشـونت‌های شـدیدتر منجر شـود. این خشـونت‌ها به فرهنگ، قانون حمایتگر از مـرد، میزان تحسـین عرف و فرهنـگ از چنین اقدامات خشـنی میزان سـلامتی روانی فرد، میزان انعطاف‌پذیری مرد در برابر عوامل ناخوشـایندی که در دنیای وی هویت مردانه او را می‌تواند زیر سـوال بـرد (البته هویت مردانه، به تعریف خاص هر فرد) و میزان گذشت فرد بستگی دارد. یکی از نقاط‌ضعف مادران که اغلب می‌تواند به آسـانی در دسترس مرد مهاجم قرار بگیرد آسیب‌رساندن به فرزندان یک مادر اسـت زیرا این آسیب هرگز جبران‌پذیر نخواهد بود. چنیـن انتقام‌گیری‌هایی حاکی از عمق افکار و نیات انتقامجویانه است. آسیب به کودکان اگرچه برای پدر نیز فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر است اما گاهی در شرایط بی‌منطقی و غیرانسانی مطلق، فرد خود را پایمال‌شده احساس می‌کند و عاری از عواطف می‌شود. در چنین حالتی هیجانات مثبت فرد بلوکه می‌شـود و یأس و ناامیدی، ویرانگری، خودزنی و نابودکردن همه آنچه در دسترس فرد باشد ممکن می‌شود. چنین اقدامات غیرقابل‌درکـی از جانب یک پـدر زمانی معنی‌دارتر می‌شـود که خودزنی و انتحار نهایی شکل می‌گیرد یا فرد بـه انتظار نیروی قانون می‌نشـیند و خود را تسلیم قانون می‌کند. دیروز در خبرها داشتیم مردی دو فرزنـد خود را زنده‌به‌گور کـرد. آیا می‌توان گفت در همـه لحظاتی که این مرد قبر فرزنـدان خود را می‌کنـد در دل امید زنده‌ماندن خود و عفوشـدن از جانب قانونی را داشـته است؟ آیا می‌توان در چنین شـرایطی هم از قانون حمایتگر مـردان انتقاد کرد؟ یا باید به شـرایط حـاد، بحرانی، فرهنگ عقب‌مانده و سـلطه‌گر و عدم‌قـدرت انطباق چنیـن فردی با شـرایط و واقعیات زندگی‌اش توجه کرد که می‌تواند برای لحظاتـی از هرچه تمنا برای ادامه زندگی تهی شود و وحشیانه‌ترین اقدامات را علیه خود و فرزندان بی‌گناهش انجام دهد.

پدر دوقلوهایش را زنده‌به‌گور کرد

شـرق: مردی که دوفرزند یک‌ساله خود را زنده‌به‌گور کـرده بود، گفت به‌دلیل اختلافاتی که با همسـرش داشت دست به این جنایت زد.

زنی ۲۰ساله ساعت ۱۴:۴۰ شنبه پابرهنه و در حالی‌که بسـیار مضطرب و پریشـان بود خودش را به پاسگاه «خنافره» واقع در شهرستان شادگان خوزستان رساند و از جنایتی هولناک خبر داد که شـوهرش مرتکب شـده بود. این زن گفت: «شوهرم دو پسر دوقلویم را زنده‌به‌گور کرده است.

او می‌خواسـت من را هم بکشـد اما توانستم از خانه فـرار کنم و خودم را به پاسـگاه برسـانم.» ماموران بعد از شـنیدن اظهارات این زن به‌سـرعت به‌سمت خانـه او راه افتادنـد و وقتی به محل رسـیدند مرد ۳۰ سـاله‌ای را دیدند که بسـیار خشمگین بود. آنها این مرد را قبل از اینکه اقدامی انجام بدهد دسـتگیر و از او سلاح کلاشنیکف کشف کردند. ماموران سپس به جست‌وجوی خانه پرداختند اما اثری از دو کودک نیافتند تا اینکه فهمیدند کف یکی از اتاق‌ها کنده شده است.

ماموران بعد از کنـارزدن گل‌ولای پیکرهای بی‌جان دو پسـربچه یک‌سـاله را پیدا کردند. به این ترتیب بازپرس ویژه قتل از موضوع مطلع و اجساد به دستور او برای تعیین علت مرگ و انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی‌قانونی منتقل شد.

همچنین متهم به پاسگاه پلیس انتقال یافت و تحت بازجویی قـرار گرفت. متهم در بازجویی‌ها به ارتکاب جنایت اعتراف کرد و گفت: «از مدتی قبل با همسرم اختلاف داشتم و مشکلات ما روزبه‌روز بیشتر می‌شد تا اینکه قبل از قتل دوباره با زنم دعوا کردم و در حالی که عصبانی بودم تصمیم گرفتم او و دو پسر یک‌ساله‌ام را بکشم. برای این کار پسرانم را به یکی از اتاق‌ها بردم و مشـغول حفر گودال شدم. آنها در تمام آن لحظات کنارم ایستاده بودند و تماشایم می‌کردند. بعد از اینکه گودال را کندم هر دو را داخل آن انداختم و رویشـان را پوشاندم. دو پسـرم هیچ مقاومتی نکردند.» متهم ادامه داد: «قصد داشتم همسرم را هم به قتل برسانم اما موقعی که داشـتم گودال را برای زنده‌به‌گورکردن دوقلوهـا می‌کنـدم او از خانه فرار کرد و نتوانسـتم جلویش را بگیـرم.» بنابر این گزارش متهم اکنون در بازداشت به‌سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

شاکی بعد از صدور حکم تبرئه رییس دولت دهم:

شکایتم از احمدی‌نژاد را پیگیری می‌کنم

شرق: محمود احمدی‌نژاد طی حکمی که توسط شعبه ۷۶ دادگاه کیفری اسـتان تهران صادر شده، در رابطه با شـکایت شهروندی اردبیلی تبرئه شده است. شاکی این پرونده مردی به‌نام «قاسـم شـیخ‌رحیمی»، متولد سال ۱۳۳۶ است. او در گفت‌وگویی با خبرنگار ما گفت هنوز بر شکایت خود باقی است و به رای صادره اعتراض خواهد کرد.

عکس: ایرنا

موضوع شـکایتی که علیـه احمدی‌نژاد مطرح کردید، چه بود؟

احمدی‌نژاد آبان سال ۸۶ به اردبیل آمد فرمانداری و استانداری تبلیغات زیادی انجام دادند و از مردم دعوت کردند برای اسـتقبال بیایند حتی در شـهر این خبر پیچیده بود که مشکلات مردم را تک‌به‌تک می‌شنوند و آنها را حل می‌کنند. ما هم برای استقبال رفتیم. مسیر حرکت آقای احمدی‌نژاد مشخص بود قرار بود از خیابان اصلی به سمت استادیوم برود و در آنجا سخنرانی کند. مردم کنار خیابان ایسـتاده بودند. جمعیت زیادی بود. ما در مسـیر فرعی ایستاده بودیم کوچه تنگی بود که البته آن هم به اسـتادیوم می‌رسید ما آنجا ایستادیم تا هـم جمعیت و هم آقای احمدی‌نـژاد را ببینیم و هم اینکه زودتر به استادیوم برسیم یکدفعه ماشین حامل رییس‌جمهوری وارد کوچه باریک شد جمعیت خیلی زیاد بود راننده به‌جای اینکه ترمز کند پایش را روی گاز گذاشت. با صدای زوزه موتور همه فرار کردند محافظان هم مـردم را به این‌طرف و آن طـرف پرت می‌کردند. وقتی مردم به‌خاطر سـرعت بالای ماشین فرار کردند روی هم افتادند و من و چندنفر دیگر به خاطر ازدحام شـدید داخل جوی آب افتادیم من اولین کسی بودم که داخل جوی افتادم و جمعیت روی من افتاد همین باعث شد دندان‌ها و کتفم بشکند. آسیب شدیدی دیدم.

سرعت خودرو حامل احمدی‌نژاد چقدر بود؟

برای آن خیابان خیلی زیاد بود به نظرم حداقل با ۷۰ یا ۸۰ کیلومتر در ساعت می‌رفت. عرض کوچه پنج‌متر هم نمی‌شـد. احمدی‌نژاد با اینکه فرار مردم و آن فشار را می‌دید دسـت‌هایش را بالا گرفتـه بود و برای مردم تکان می‌داد.

چرا به آن مراسـم رفتید؟ مشکلی داشتید که می‌خواستید حل شود؟

مشکل خاصی نداشتم گفتند رییس‌جمهور می‌آید من هم خواسـتم ببینم آقای احمدی‌نـژاد از نزدیک چطوری است.

بعد از اینکه به زمین خوردید چه اتفاقی افتاد؟

ماشین حتی نایستاد ببیند برای مردمی که به‌خاطر احمدی‌نژاد آمده بودند چه اتفاقی افتاده آمبولانس آمد و ما را با خودش برد چهار، پنج نفری بودیم که زخمی شده بودیم.

به اوضاع شما رسیدگی شد؟

من به فرمانداری شـکایت کردم بقیه هم شکایت کردنـد چندین میلیون‌تومـان هزینه کـرده بودم تا درمان شـوم حتی مجبـور شـدم از بانکی خصوصی ۱۸میلیون‌تومـان وام بگیرم و خرج عمل‌های جراحی کنم اما فرمانداری فقط به من ۲/۵میلیون‌تومان داد.

برای بقیه مجروحان چه اتفاقی افتاد؟

به همه آنها رسـیدگی کردند. تا جایی که من خبر دارم بـه همـه پول دادند و رضایـت گرفتند فقط من رضایت ندادم.

چرا شما رضایت ندادید؟

آقـای احمدی‌نژاد باید جواب دهد چـرا این کار را کرد؟ کسی که نمی‌تواند امنیت مردم را تامین کند چرا سفر می‌کند؟ مردم مهم هستند یا سخنرانی او؟ اگر ما نباشیم او برای چه کسی سخنرانی می‌کند؟

گفتید هزینه‌های درمان همه را دادند به‌جز شما، چرا؟

فرمانداری کسی را برای تحقیق فرستاده بود همسایه مـا فکر کرده بود من جایی خواسـتگاری رفته‌ام و برای تحقیق آمده‌اند سعی کرده بود از من خیلی تعریف کند. گفته بود فلانی آدم پولداری اسـت خیلی وضع مالی‌اش خوب است خیلی آدم خوبی است فرمانداری هم فکر کرده بود من روی گنج نشسته‌ام و هزینه‌های درمانم را نداد.

چرا از احمدی‌نژاد شـکایت کردید در حالی‌که می‌گویید فرمانداری و استانداری شما را تشویق به حضور در مراسم استقبال کردند؟

بـرای اینکه آقـای احمدی‌نژاد دید کـه ما زمین خوردیم و محل نگذاشت او باید از شهروندان کشورش مراقبت می‌کرد. ضمن اینکه من چندبار در شهر خودم شکایت کردم گفتند اینجا نمی‌شود برو مجتمع کارکنان دولـت در تهران به تهران آمـدم فاکتورها و مدارکم را آوردم اول کـه گفتند ایـن کار را نکن بعد هم گفتند حـالا برو بعدا خبرت می‌کنیم البتـه این را هم بگویم وقتی به فرمانـداری رفتم فرماندار به من گفت باید از رییس‌جمهوری شکایت کنی به ما ربطی ندارد من هم این کار را کردم.

خبر دارید حکم پرونده صادر شده است؟

شـنیدم احمدی‌نژاد تبرئه شـده اسـت. این چه معنایی دارد؟ دادگاه باید حرف‌های من را می‌شـنید و مدارکم را می‌دید من به رای اعتراض می‌کنم و شـده به دفتر رییس قوه‌قضاییه بـروم این کار را می‌کنم اما دست‌بردار نیستم. به مراسم استقبال رفتم اما به خاک سیاه نشستم. دارایی‌ام را از دست دادم چون کتف راستم آسیب‌دیده دیگر نمی‌توانم کار کنم من دندانساز هستم و از کار افتاده شده‌ام اگر برادرم نبود حالا به‌خاطر بدهی در زندان بودم.

چقدر بدهکار هستید؟

وام ۱۸میلیون‌تومانی گرفتم چون نتوانستم پرداخت کنم دوبـار به آن جریمـه خورد یعنی حـالا به‌جای ۱۸میلیون‌تومان باید ۴۰میلیون‌تومان بدهم پول ندارم پرداخـت کنم نمی‌توانم قسـط‌ها را بدهم بانک برای خانه‌ام اجراییه گذاشته می‌خواهند خانه‌ام را بفروشند. بیچاره شده‌ام. قرار بود احمدی‌نژاد برای همه مردم خانه درست کند حالا خانه من را با این سفرش به اردبیل از دستم گرفت. با اینکه تبرئه شده اما از شکایتم صرف‌نظر نمی‌کنم و به رای اعتـراض می‌کنم. او باید جواب من را بدهد.

درخواست خانواده ناصر حجازی برای بخشش «ریحانه»

شرق: اعضای خانواده ناصر حجازی از خانواده سربندی درخواسـت کردند ریحانه را عفـو کنند. مادر ریحانه متنی را در سـایت «ناصر حجازی» منتشر کرده و در آن نوشته است: «با ناصرخان حجازی هم‌محل بودیم. همسـرم اسـتقلالی بود و گاهی ریحانه را با خود به مسابقات می‌برد. گاهی در پارک سر کوچه ناصرخان، با هیاهو و هیجـان بازی‌های کودکانه می‌کرد. وقتی این مرد مهربان بیمار بود، ریحانه حالش را می‌پرسید. یک‌بار گفتم کاش بروم و برایش بگویم ماجرای تو را. ریحانه راضی نشد. می‌گفت ناصرخان به اندازه کافی درد می‌کشد. چرا به غمش اضافه کنیم. کاش برایش می‌گفتم. شـاید راهی پیدا می‌کرد. روحش شـاد و جایش در بهشت.» مادر ریحانه همچنین عکسی را از زمان خردسالی دخترش منتشر کرد که در آن ناصر حجازی او را در آغوش گرفته است.

خانواده و دوسـتداران ناصر حجازی در پی انتشار این متن و عکس از اولیای‌دم مقتول درخواست کردند دختر محکوم به قصاص را ببخشـند. آنها در نامه‌ای خطاب به اولیای دم نوشتند: «طی یک عکس و متن منتشرشـده از سـوی مادر ریحانه جباری که البته شناختی نیز از آنها نداریم، باخبر شدیم که فرزندتان حدود شش‌سـال قبل توسـط ریحانه به‌قتل رسیده اسـت تا اینچنین داغدار فرزندتان باشـید و تا بدین لحظه به‌رغم درخواسـت‌های مکرر از سوی خانواده ریحانـه و دیگر هموطنانمان تمایلی نسـبت به عفو قاتل نداشـته باشید. بی‌گمان در ایـن روزهـا در کنـار کلمه «بخشش» که بارها برایتان تکرار شده است، قضاوت‌های بسیاری چه بسا ناعادلانه شنیده‌اید که داغ عزیز ازدست‌رفته را برایتان صدچندان کرده است.

خانواده محترم سـربندی، قصد نداریم تا طلب بخشایش ریحانـه را از شـما داشـته باشیم، بلکه می‌خواهیم کاری را انجـام دهیـد کـه برایتان آرامش ایجاد می‌کند. بی‌شک، آرامـش حداقل چیزی اسـت که می‌توانـد اندکی داغ مرگ عزیزتان را خنک کند اما اینکه کسـب چنین آرامشی با مرگ ریحانه همراه باشـد یا زندگی دوباره به او، اختیاری است در دستان و اراده شما.

قضاوت پیرامون آنچه در ارتباط با قتل عزیزتان رخ داده است، در حیطه وظایف ما نیست. چنین قضاوتی در راس تمام قضاوت‌ها، متعلق به خالق انسان‌هاست که شـاید شما هم در بحث‌ها و زندگی روزمره‌تان به این اعتقاد داشته باشـید که دنیا نیز جواب عملکرد مخلوق پروردگار را می‌دهد. لطفا در خلوت خود فکر کنید اگر به‌جای اعدام ریحانه، او را در اختیـار قدرت برتر قرار دهید تا قضاوتش کند، با ترازوی عدل خداوند به آرامش نزدیک‌تر نمی‌شـوید؟ پاسـخ در حیطه اختیارات و تفکرات شماست.

خانواده محترم سربندی، در عکسی که ظاهرا ریحانه با ناصر ما داشته است، می‌توان نگاهی معصومانه را دید اما اینکه چنین نگاهی امروز نگاه یک قاتل باشد، ریشه در عملکرد جامعه‌ها دارد. هیچ‌فردی مجرم به‌دنیا نمی‌آید، این جامعه اسـت که ریحانه و ریحانه‌ها را به وجـود می‌آورد و نباید از بحث علت و معلول نیز خارج شد.

خانواده محترم سـربندی، ریحانه مدت‌هاسـت که زندگی نمی‌کنـد. همه می‌میرند، یکی با بیماری ناعلاج، یکی بر اثر سـانحه، یکی بر اثر مرگ طبیعی و... ، آنکه بر اثر یک بیماری ناعلاج قصد خداحافظی از دنیا را دارد، حداقل فرصتی برای انجام بعضی کارها را پیدا کرده اسـت، آنکه در اثر سانحه یا مشابه جان خود را از دست می‌دهد، فرصتی برای به‌پایان‌رساندن کارهای نیمه‌تمام و حتی زجرکشیدن ندارد، آنکه بر اثر مرگ طبیعی نیز می‌میرد، با پایان کارهایش در انتظار خداحافظی است و... اما ریحانه و ریحانه‌ها... آنها گویی که بیماری ناعلاجی دارند اما در قفس محبوسـند و می‌دانند که آینده‌ای برایشـان نیست. فقط باید فکر کنند و ببینند که چه از دست داده‌اند و چه از دست خواهند داد تا مرگشـان با اعدام فرا برسد. ریحانه در سـنی مرتکب قتل شـده که فرصـت چندانی برای انتخاب خوب یا بد نداشته است، حتی فرصتی برای ابراز احساسات و عواطف یک زن...

در ادامـه این نامه آمده اسـت: خانـواده محترم سـربندی، در پایـان ضمن عرض تسـلیت، از اینکه خـود را به‌جای شـما با داغ عزیزی ازدسـت‌رفته در کنار قضاوت‌های درست و نادرست امروزی بگذاریم، کار سـاده‌ای نیسـت، فقط از پروردگار به‌عنوان یک هم‌نوع و هم‌وطن می‌خواهیم همیشه آرامش داشته باشید، آرامشی که نه در لحظه که همواره همراهتان باشد. همانطور که افسوس برای گذشته بی‌معناست، پیش‌بینی آینده نیز آسان نخواهد بود.

بنابر این گزارش پیش از این نیز اصغر فرهادی در نامه‌ای خطاب به اولیای‌دم مقتول تقاضا کرده بود آنها ریحانه را ببخشـند. این اقدامات پس از آن آغاز شد که دایره صلح و سـازش دادسرای جنایی جلسه‌ای را با حضور خانواده مقتول، متهم و جمعی از هنرمندان تشـکیل داد تا بلکـه این جوان محکوم بـه مرگ از چوبه‌دار نجات یابد.

انکار شوهرکشی در دادگاه

شـرق: زنی که متهم اسـت ۹ سال قبل شوهرش را با همدستی مردی به قتل رسانده پای میز محاکمه رفت و جزییات قتل را توضیح داد.

به گزارش خبرنگار ما، حسن که شوهر دوم مهری بود، زمانی به قتل رسید که زن جوان یکی از اقوامش را برای اجرای نقشه‌اش از شمال به تهران کشاند. اواسط سـال ۸۴ به مامـوران پلیس خبر دادنـد مردی به‌نام حسن مفقود شـده اسـت. خانواده این مرد به پلیس گفتند: «حسن با همسرش زندگی می‌کرد اما همسرش می‌گوید از سرنوشت حسن خبر ندارد.» پلیس، مهری -همسـر حسـن- را مورد بازجویی قـرار داد این زن مدعی‌شـد هیچ اطلاعی از سرنوشت شوهرش ندارد و آنها اختلافی با هم نداشتند. مدتی بعد جسد حسن در بیابان‌های ورامین پیدا شد این در حالی بود که مهری همچنان مدعی بود اطلاعی از سرنوشت همسرش ندارد تا اینکه ماموران متوجه شدند مهری شب قبل از حادثه با مردی به‌نام رضا صحبت کرده اسـت. هرچند این دو همچنان منکر قتل بودند اما پنج سال بعد به کشیدن نقشه برای قتل اعتراف کردند و گفتند چطور حسن را کشته‌اند. با صدور کیفرخواست علیه متهمان پرونده به دادگاه کیفری اسـتان تهران فرستاده شد، روز گذشته دو متهـم برای محاکمه در شـعبه ۷۴ دادگاه کیفری اسـتان تهران حاضر شدند. در ابتدای جلسه رسیدگی بعد از اینکه نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و درخواسـت صدور حکم قانونی کرد اولیای‌دم خواستار صدور حکم قصاص شـدند. سـپس مهری در جایگاه حاضر شـد. او اتهام قتل را رد کرد و گفت: من حسن را نکشتم. او شوهر دوم من بود ازدواج اولم موفق نبود و جدا شده بودم. وضعیت خوبی نداشتم رضا که یکی از اقوام من است گفت مردی را می‌شناسد که آدم خوبی اسـت و اگر من با او ازدواج کنم خوشـبخت می‌شوم. او حسـن را به من معرفی کرد بعد از چندین جلسـه آشـنایی با هم ازدواج کردیم بعد از این ازدواج بود که فهمیدم حسن آدمی نیست که به من معرفی شده بود او مرد بسیار بداخلاقی بود و مرا کتک هم می‌زد. چندبار به رضا گله کردم و گفتم نمی‌توانم این زندگی را تحمل کنم. متهم گفت: روز حادثه رضا از شـمال به خانه ما آمد. او با شـوهرم به طبقه پایین رفت موقع شام رفتم که صدایشان کنم اما متوجه شدم رضا شوهرم را کشته است بعد از قتل هم جسد را داخل ملحفه‌ای پیچید و از خانه خارج و در بیابان رها کرد. در ادامه رضا در جایگاه حاضر شد او نیز اتهام قتل را رد کرد و گفت: زمان حادثه در تهران نبودم و شاهد هم برای اثبات حرفم دارم مهری دروغ می‌گوید و می‌خواهد مرا قربانی کار خودش کند. بعد از پایان جلسـه رسـیدگی قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

حادثه

آتش در ۳ اتوبوس مسافربری

● **ایسنا:** سخنگوی سازمان امداد و نجات جمعیت هـلال احمـر از مصدومیت ۴۱ نفر از سرنشـینان اتوبوس اسـکانیا که دچار حریق شده بود خبر داد. حسین درخشان در تشـریح حادثه حریق اتوبوس اسـکانیا در اردبیـل گفت: در سـاعت ۳:۳۵ بامداد دیروز (وقوع حریق در اتوبوسی در کیلومتر ۸۵ جاده اردبیل - سرچم از طریق تماس مردمی با خط ندای امـداد ۱۱۲ به پایگاه امداد و نجـات جاده‌ای اعلام شـد. وی افزود: با حضور امدادگران در محل حادثه مشخص شـد اتوبوس اسکانیا حامل زایران کربلا با تابعیت آذربایجانی در منطقه پل مزرعه مابین تونل ۱۱ و ۱۲ دچار حریق شـده است. وی با بیان اینکه ایـن اتوبوس حامل ۴۲ نفر بـود، گفت: چهار نفر از این سرنشینان اتوبوس توسط تکنیسین‌های اورژانس به بیمارسـتان منتقل شدند و ۳۷ نفر نیز به‌صورت سرپایی و در محل درمان شدند.

در همین حال دو اسکانیای دیگر نیز دچار حریق شدند. سرهنگ صمد اسـفندیاری معاون عملیات پلیس‌راه کشور گفت: سـاعت یک بامداد دیروز در کیلومتـر ۳۵ محور جیرفت به کرمـان داخل تونل بهمن دو دستگاه اتوبوس اسکانیا که هر دو در مسیر جنوب به شمال و از مبدا زاهدان به مقصد بندرعباس در حال حرکت بودند به علت بی‌احتیاطی از جانب اتوبوس عقبی به‌دلیل رعایت‌نکردن فاصله طولی از قسـمت جلو با اتوبوس جلویی برخـورد کرد. وی با اشـاره به اینکه اتوبوس اسکانیای جلویی حامل ۱۳ سرنشـین و عقبی حامل شش سرنشین بود، افزود: پس از این برخورد هر دو اتوبوس دچار حریق شدند که خوشـبختانه قبل از فراگیری دامنه آتش‌سوزی مسـافران سـریع از اتوبوس‌ها تخلیه شدند اما این حادثه سه مجروح بر جای گذاشت. معاون عملیات پلیس راه کشور تاکید کرد: بر اساس گزارش پلیس سوختگی اتوبوس‌ها بیش از ۹۰ درصد است و حتی آتش‌گرفتن آنها موجب شـده بخشی از دیواره‌های تونل تخریب شود.

رخداد

انفجار در انبار مواد محترقه

● **شرق:** کارگاه تولید و انبار ترقه در شهرک قیامدشت آتش گرفت و منفجر شـد. پس از اطلاع‌رسـانی این حادثه توسـط شهروندان به سـامانه ۱۲۵، بلافاصله آتش‌نشـانان در سـاعت ۱۸:۵۰ شـنبه راهی محل آتش‌سوزی شدند. علیرضا چراغی مدیر منطقه هشت عملیات سازمان آتش‌نشانی تهران که همراه با نیروهای عملیاتی در محل حادثه حاضر شده بود در شرح حادثه گفت: آتش‌سوزی در سوله‌ای به وسعت ۲۰۰ مترمربع کـه از آن به‌عنوان کارگاه تولیـد و انبار مواد محترقه استفاده می‌شـد اتفاق افتاد. وی افزود: در هنگام بروز حادثه مقدار زیادی انواع مواد محترقه تولیدشـده در بسته‌های آماده برای انتقال به بازار در داخل این سوله و انبار آن وجود داشـت که کاملا شعله‌ور شد. چراغی تصریح کرد: کارتن‌های محتوی مواد محترقه یکی پس از دیگـری آتش می‌گرفت و هرلحظه با انفجار آنها بر شدت آتش‌سـوزی افزوده می‌شد. این مدیر عملیات آتش‌نشانی با اعلام اینکه انفجارهای مکرری در محل حادثـه رخ مـی‌داد، ادامه داد: در مجـاورت این انبار، چندین کارگاه و انبار کالا قرار داشـت که شعله‌های آتـش در حال سـرایت به آنها بـود. علیرضا چراغی ابراز کرد: آتش‌نشـانان ضمن ایمن‌کردن محل حادثه عملیات خود را از چند قسـمت آغاز و آتش‌سوزی را کاملا خاموش کردند.

اتصالی سیم برق تلویزیون خانه‌ای را به آتش کشید

● **شرق:** اتصالی سیم برق تلویزیون، منزل مسکونی در شهرری را دچار آتش‌سوزی کرد و خساراتی به‌بار آورد. شـهروندان ساعت ۶:۳۵ صبح دیروز با مشاهده دود و شـعله‌های آتش که از منزلی مسـکونی خارج می‌شـد، بلافاصله با سـامانه ۱۲۵ تماس گرفتند و درخواست کمک کردند. سپس آتش‌نشانان به محل حادثه در شهرری، شهرک شهید مفتح رفتند. رمضان حلوایی فرمانده آتش‌نشـانان اعزامی در این خصوص گفت: پس از رسـیدن به محل حادثه مشـاهده شد منزل مسـکونی به متراژ حـدودا ۵۰ مترمربع دچار آتش‌سوزی شده است. وی افزود: آتش‌نشانان بلافاصله پس از قطع برق و گاز با استفاده از تجهیزات مخصوص آتش‌نشانی اقدام به عملیات خاموش‌کردن آتش کردند و پـس از اطفای کامل آتـش، تخلیه دود و اطمینان از نبود خطر احتمالـی، به عملیات خود پایان دادند. این فرمانده آتش‌نشـانی، اتصالی سـیم برق متصل به تلویزیون را سـبب ایجاد جرقـه و در نهایت بروز آتش‌سوزی و سرایت به اطراف اعلام کرد و در توصیه به شهروندان اظهار کرد: علت بسیاری از آتش‌سوزی‌ها اتصالی در سیم‌کشی برق است و اغلب در نبود مالک و افراد در داخل ساختمان، جرقه‌های ناشی از اتصالی برق موجب شـعله‌ورکردن اجناس قابل اشـتعال در اطراف محل اتصالی می‌شود. برای پیشگیری از بروز اینگونه حوادث، لازم است هنگام خروج از خانه و محل کار، اتصال وسـایل برقی غیرضروری را از شبکه برق شهری جدا کنیم.

مرگ ۳ کودک زیر آوار ساختمان

● **ایرنـا:** معاون عمرانی اسـتانداری کرمان گفت: بر اثر ریزش سقف ساختمانی فرسوده در شهربابک سه کودک افغان جان باختند و یک‌نفر هم زخمی شـد. محمدجواد کامیاب توضیح داد: این سـاختمان بنای فرسوده و غیرقابل سکونت بود که این خانواده در آن زندگـی می‌کردند. وی ادامـه داد: علت این حادثه در دست بررسی است.

اسیدپاشی روی صاحبکار

● **باشـگاه خبرنـگاران:** مردی که با اسـید صورت صاحبکارش را سـوزاند و قصد داشـت بـا آتش‌زدن تعمیرگاه جنایت هولناکی را رقم بزند دسـتگیر شد. شـهروندان روز شنبه از وقوع اسیدپاشی در تعمیرگاه خودرو در خیابان قزوین خبر دادند. سـپس ماموران در محل حاضر شـدند و مشاهده کردند مردی حدود ۶۵سـاله با اسید صورت مسوول تعمیرگاه را سوزانده و با در دست‌داشتن گالن بنزین قسمتی از تعمیرگاه را نیز به آتش کشـیده است که پسر جوانی نیز دچار سـوختگی از ناحیه دو پا شده اسـت. ماموران پس از مشاهده این وضعیت وارد عمل شدند و با دستگیری متهـم دو مصدوم را از طریق اورژانس به بیمارسـتان مطهـری و فارابی منتقل کردند. سـرهنگ کیومرث حسنوند رییس کلانتری ابوسـعید در این‌باره گفت: مامـوران در تحقیقات خـود دریافتند متهـم که از کارکنان آن تعمیرگاه بوده به‌دلیل خصومت شخصی و کینه دست به این اقدام هولناک زده است.

بـریده اخبـار

- **فرمانده انتظامی شهرستان همدان از دستگیری اعضای باند سرقت که با تهدید چاقو و قمه اقدام به زورگیری می‌کردند خبر داد.**
- **توفان «ایتا» که بخش‌هایی از استرالیا را درنوردید، ساکنان این نواحی را با مشکل قطعی آب و برق مواجه کرد.**
- **خارج‌شدن قطار مسافربری از ریل در شمال‌شرق چین به مجروح‌شدن ۱۵نفر منجر شد.**
- **دونفر در پی آتش سوزی در جنگلی در شیلی کشته شدند و ۵۰۰ خانه تخریب شد**